



ابقای قالیباف بر کرسی ریاست

هشتم خردادماه ۱۴۰۳ محمدباقر قالیباف در رقابت با مجتبی ذوالنوری و منوچهر متکی و با ۱۹۸ رأی موافق از مجموع ۲۸۷ رأی مأخوذه به ریاست مجلس دوازدهم رسید. او در همان نطق آغازین

بر امیدآفرینی و همگرایی مجلس و دیگر قوا برای حل مسائل کشور تأکید کرد؛ رویکردی که بعدها در قبال دولت رقیب و در قالب ایده «وفاق ملی» به آن متعهد ماند.

تجربه قالیباف؛ کلید وفاق

خردادماه سالی که گذشت، اولین اجلاس هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی در حالی برگزار شد که حتی مشخص نبود چه کسانی برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری که به واسطه شهادت آیت الله رئیسی و جمعی

از یارانش در حادثه سقوط هلیکوپتر، زود هنگام برگزار می‌شد، نامزد خواهند شد. محمدباقر قالیباف به عنوان چهره‌ای که در چهار اجلاس هیأت رئیسه

ریاست مجلس شورای اسلامی را بر عهده داشت و به‌رغم همه رقابت‌های درون گروهی اصولگرایان به عنوان یکی از چهار نماینده اول حوزه انتخابیه تهران مجدداً در مجلس حضور داشت، مطمئناً بهترین گزینه برای ریاست مجلس بود. در ادامه نیز آنچه اتفاق افتاد درستی این انتخاب را بیش از پیش مشخص کرد. آقای قالیباف اگر چه با نامزدی

در انتخابات ریاست جمهوری وارد گود رقابت شد، اما به عنوان رقیبی که محتمل بود در صورت رأی نیاوردن به جایگاه ریاست مجلس بازگردد و ملزم به همکاری با رقیب پیروز خود باشد، رقابت انتخاباتی و مناظره‌ها را

با کمترین حد از حاشیه و در واقع به دور از وارد شدن به هرگونه دعوی جناحی به پیش برد. در عمل هم هنگامی که مسعود پزشکیان به عنوان نامزد مورد حمایت

اصلاح‌طلبان و میانه‌روها به ریاست جمهوری رسید، این تجربه و کارآمدگی سیاستمداری همچون قالیباف بود که سبب شد نحوه مدیریت مجلس به‌خوبی با شعار وفاق ملی تطبیق پیدا کند. این تطبیق نه به صرف مطرح شدن شعار وفاق ملی از سوی دولت چهاردهم که به دلیل توصیه صریح مقام معظم رهبری در فحوائی این جمله که

محمد صالح جوکار

رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای

«پیروزی دولت پیروزی همه ماست» اهمیت داشت. بر همین مبنا میان دولت و مجلسی که هر دو در یک سال شروع به کار کردند، همکاری در سطح وسیعی در جریان است و کمتر ایرادی می‌توان به آن وارد دانست.

وجه دیگر اهمیت انتخاب آقای قالیباف به ریاست مجلس را در تجربه‌ای که ایشان در حوزه اداره مجلس و رویه قانونگذاری طی چهار سال ریاست مجلس کسب کرد، باید مد نظر داشت. تجربه: مؤلفه ارزشمندی است که به‌آسانی به دست نمی‌آید. تسلط بر برنامه‌ها و قوانین جاری در کنار بینش درست نسبت به مشکلات جامعه، لازمه اداره مجلس بویژه در وظیفه قانونگذاری است. در عمل هم این مهم در قوانین مصوب مجلس از جمله در قانون جهش تولید مسکن، قانون جهش تولید دانش بنیان و قانون حمایت از خانواده و فرزندآوری، نمود یافت؛ رویه‌ای که محصول پویایی مجلس و تجربه هیأت رئیسه و ریاست آن بود.

اهمیت ریاست دوازدهم در دوران وفاق

انتخاب آقای قالیباف در اولین اجلاس هیأت رئیسه مجلس دوازدهم و در حقیقت ابقای ایشان در ادامه چهار سال ریاستی که بر مجلس

مهرداد لاهوتی

عضو فراکسیون مستقلین

گذشته داشتند، در مقطع کنونی از اهمیت بیشتری برخوردار شد. این انتخاب در شرایطی انجام شد که چندی بعد یک چهره از جریان رقیب اصولگرایی به ریاست جمهوری رسید. با این حال شخص قالیباف به عنوان رقیب آقای پزشکیان قیای رقابت را به در کرد و جامه رفاقت پوشید. این رفاقت یا به تعبیری وفاق ملی از سوی قالیباف و قوه مقننه در جریان رأی اعتماد به همه وزرای کابینه نمایان شد. حتی برخلاف برخی ادعاهای مطرح شده، استیضاح وزیر اقتصاد هم نتوانست برهم‌زننده این وفاق باشد. البته طبیعتاً در همه مجالس تعدادی نماینده حضور دارند که سعی می‌کنند مقداری مجلس را به حاشیه ببرند، اما در مجموع باور دارم که آقای قالیباف توانسته است تا این لحظه به‌درستی روی مرز وفاق و حفظ جایگاه مجلس و حق نمایندگان برای نظارت بر حسن اجرای قوانین از سوی قوه مجریه باشد.

رئیس بی طرف

عملکرد آقای قالیباف در جایگاه ریاست مجلس دست‌کم در چند ماهی که از عمر مجلس دوازدهم می‌گذرد از نوعی تلاش برای

مصطفی پوردهقان

عضو فراکسیون مستقلین

حفظ بی‌طرفی حکایت دارد. چه اینکه، اگرچه جریان‌شناسی مجلس به نحوی نیست که نمایندگان منتظر باشند و ببینند نظر رئیس مجلس یا هیأت رئیسه به کدام سو است. با این حال غیر از افراطیون چپ و راست حاضر در مجلس که از قبل تصمیم مشخصی دارند، فهم و تصمیم قاطبه مجلس در درون خود صحن شکل می‌گیرد. با این حال سعی آقای قالیباف بر بی‌طرفی در مقطعی همچون آنچه در جریان استیضاح وزیر اقتصاد دیدیم، متفاوت از انتظار موجود بود. تا آنجا که با آنکه دربار یکی از سران سه قوه که از همه ملاحظات خبر دارد درباره استیضاح و در پاسخ به نظرخواهی تعدادی از نمایندگان حتی ذره‌ای سیگنال منفی یا مثبت نداد. این بی‌طرفی همزمان با مطرح بودن موضوع وفاق میان سه قوه و بین جریان‌های سیاسی به نحوی است که در بسیاری موارد قضاوت و گفتن اینکه بگوییم او همراه با وفاق است یا مخالف آن سخت می‌شود.